سرمقاله

ضرورت حمایت های دوامدار بین المللی از افغانستان

حفیظ الله زکی

افغانستان با روی کار آمدن حکومت دموکراتیک خلق در سال ۱۳۵۷ نظم و آرامش خود را از دست داد و با تجاوز نظامی شوروی در ۶ جدی ۱۳۵۸ مورد اشغال قرار گرفت. این مسأله خیزش های سراسری مردمی را در مناطق مختلف افغانستان به دنبال آورد. آغاز جنگ تمام عیار میان مردم از یکسو و حکومت با حمایت و پشتوانه نظامی و تسلیحاتی شوروی از سوی دیگر، پیامدهای ناگوار و ناخوشایندی را برای مردم افغانستان در پی آورد. پس از سقوط نظام کمونیستی، گروه های مجاهدین نیز در تخریب شهرها و خانه ها و کشتار مردم افغانستان کم نیاوردند. این گروه ها در زمان تقسیم و توزیع قدرت دچار تفرقه و پراکندگی شدند و با استفاده از نام اسلام علیه همدیگر فتوا صادر کردند.
ناتوانی مجاهدین برای تشکیل یک حکومت فراگیر ملی، سبب شد که برخی کشورهای دخیل در مسایل افغانستان گروه طالبان را به این کشور بفرستند. این گروه با شعارهای فریبنده صلح از مرز قندهار وارد کشور گردید و مورد استقبال مردم این ولایت قرار گرفت، اما بعدا ماهیت این گروه در نزد مردم افشاء شد و مردم درک کردند که این گروه یک پروژه سیاسی و امنیتی است که توسط کشورهای بیگانه راه اندازی شده است.
ولی طالبان که پس از مدتی قدرت نظامی و مردمی لازم را به دست آورده بود، بجای جلب رضایت مردم، آنها را از راه زور و تهدید نظامی به اطاعت از خود وا می داشتند. طالبان پس از تصرف مناطق جنوبی وارد پایتخت شد و در پیشروی به سوی شمال از هیچگونه جنایت دریغ نکرد. سیاست سرزمین سوخته، نسل کشی، قتل های سیستماتیک، کوچ اجباری و وضع مالیات سنگین و کمرشکن همراه با بد رفتاری های دیگر، از جمله سیاست هایی بود که توسط این گروه در افغانستان به اجرا در آمد. سخت گیری های شدید و دخالت های بی مورد در حریم خصوصی زندگی مردم که سیاه ترین دوران را، از حاکمیت عبدالرحمن تا آن زمان، رقم زده بود، نفرت و بیزاری عمومی از این گروه را در پی آورد.
ائتلاف بین المللی علیه تروریسم، که در پی حملات تروریستی در آمریکا شکل گرفت، بار دگر در مسایل افغانستان به صورت مستقیم مداخله کرد. با حمایت جامعه جهانی کنفرانس بن تشکیل شد و با فشارها و ابتکارهای بین المللی موافقتنامه این کنفرانس به امضاء رسید. نظام فعلی در واقع محصول همین موافقتنامه است که برای خاتمه دادن به جنگ و به وجود آمدن یک نظام مشروع و همه پذیر در کشور ایجاد شد. دو سال قبل روند خروج زود هنگام نیروهای بین المللی از افغانستان نگرانی ها و دشواری های زیادی را برای مردم کشور به بار آورد. در این دو سال افغانستان شاهد شدیدترین و بیرحمانه ترین حملات دشمنان بوده و مردم کشور روزهای سختی را سپری کرده است.
در ماه های گذشته دو موضوع دیگر بازهم ذهنیت شهروندان افغانستان را مشوش ساخته است. یکی پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا و سیاست های مبهم او در قبال افغانستان است و دیگری نشست سه جانبه روسیه، چین و پاکستان در مسکو. دغدغه مردم بر این مبنا شکل می گیرد که نظام سیاسی در افغانستان بدون حمایت جامعه جهانی دوام نمی آورد و تا سالهای دیگر نیز پایداری این نظام به کمک ها و حمایت های بین المللی وابسته می باشد. بدین لحاظ هر پدیده سیاسی، امنیتی و اقتصادیی که به روند حمایت های بین المللی لطمه بزند، به ضرر مردم افغانستان تلقی می شود. از اینرو توافق جامعه بین المللی و اعلام تعهد دوامدار قدرت های سیاسی و اقتصادی دنیا از افغانستان می تواند بر ثبات سیاسی این کشور تأثیر بگذارد. همانطوری که آمریکا و جاپان از امنیت و بازسازی کشور اعلام حمایت کرده اند، انتظار داریم که کشورهای منطقه نیز از اقتدار مرکزی در افغانستان اعلام حمایت کنند و از سیاست هایی که افراط گرایی را در منطقه تقویت کند و سبب تضعیف نظام فعلی و تشدید نگرانی مردم افغانستان گردد، پرهیز نمایند.

ولسوالی سنگین خونخوار و افغانستان رنجور

نویسنده : بینگ وست/ مترجم: جانعلی شکرعلیزاده

نیروهای امریکایی بدون پیروزی سال ها در این کشور خواهند ماند . مشکلاتی پیش خواهد آمد اما قابل مدیریت خواهد بود.
در سال ۲۰۱۰ تفنگدارانی از پنجمین هنگ نیروهای امریکایی در اطراف یک زمین کشاورزی در ولسوالی نفرین شده سنگین ولایت هلمند در جنوب افغانستان در حال گشت زنی بودند. وقتی من به آنها پیوستم هر روز یا کشته می شدند یا با بمب های کنار جاده ای برخورد می کردند. من در بسیاری از جاها از جمله در دهه ۱۹۶۰ در ویتنام و در عراق و افغانستان ماموریت انجام دادم. سومین ماموریت من با ۵۱ تفنگدار از نیروهای دریایی در ولسوالی سنگین تعیین شده بود جایی که در طی چند ماه ۲۷ نفر به شمول دو کشته و نه تن مجروح تلفات داده بود. درمجموع امریکایی ها و بریتانیایی ها هر کدام ۱۰۰ سرباز در جنگ از دست داده بودند و چند صد تلفات شدید را متحمل شده بودند.من گمان می کنم دوران خدمتم به اندازه هر امریکایی دیگری است، من از چیزی که در سنگین دیدم بیزارم چرا که هر موفقیتی را که به دست می آوردیم ماندگار نبود زود از بین می رفت، جنرال های ما برای مقابله با شورشیان استرتیژی موعظه و نصیحت کردن داشتند آنها می گفتند ما باید قلب و دل این مردم را با خود داشته باشیم.
جنرال استینلی مک کریستال فرمانده ارشد نوشته بود با متقاعد ساختن مردم و رضایت آنها، نه با کشتن دشمنان ما این جنگ را می بریم. در رده بندی سربازان توسط تفنگداران آنها به این نتیجه رسیدند که طالبان بهتر از سربازان میجنگند. این تفنگدارن به این باور بودند که مردم روستا ها هرگز از دولت حمایت نمی کنند آنها طرف طالبان را می گیرند. (رجوع شود که کتاب من به نام یک میلیون قدم صفحه ۲۴۴) . هر فرمانده که اینجا خدمت کرده باشد می دانست که اگر هر جایی را که با از دست دادن جان ها و خون دادن ها بدست بیاوریم و به دست سربازان افغان بسپاریم خیلی زود آن را از دست می دهد تلاش کافی برای حفظ آن نمی کند . یک جنرال تفنگدار ارشد به من نوشت که تو از عملیات و استرتیژی چیزی نمی دانی. قبل از سقوط سنگین ما بسیار اختلاف عقیده داشتیم.انکار از بالا و واقعیت ها در میدان جنگ ناامید کننده بود. جوخه سوم از میان مزارع خشخاش با گل های سرخ رنگ که منظره زیبایی مثل رسامی زیبا مینمود می گذشتند. هلمند ۷۰ درصد هیروین و تریاک جهان را تامین می کند. یک مزرعه دار خشخاش از ۵ الی ۷ جریب زمین خود مبلغ ۹۰۰۰ دالر بدست می آورد. او به جوانان طالب ۳۰۰۰ دالر و ۱۵ درصد مالیه می پردازد. ولسوالی سنگین از درک مواد مخدر ۴۰ میلیون دالر و ولایت هلمند ۲۵۰ میلیون دالر بدست می آورد. تریاک خام بعد از اینکه در آزمایشگاه های مخفی تصفیه شد ارزش آن سر به فلک می کشد. بعد از آنجا به سمت پاکستان، سپس به سمت غرب به ایران و از آنجا به بالکان و سایر قسمت های اروپا و روسیه قاچاق می شود. طالبان در هلمند و سراسر افغانستان شبکه نیرومند مواد مخدر را در دست دارد و از آنجا با تمام شبکه های جهان در ارتباط هستند سالانه از درک مواد مخدر ۲۰ میلیارد دالر بدست می آورند. البته مقامات دولت و رهبران قبایل در هر سطحی سهم خود را بر می دارند. سربازان ما به آخر دنیا یعنی ولسوالی سنگین جای خودخواه، بی رحم وبدبخت برای بدست آوردن قلب و دل مردم فرستاده می شوند، جایی که مافیای مواد مخدر با تبانی طالبان و بسیاری از مقامات دولتی جیب مردم را پر می کنند با این وضعیت ماموریت ما غیر ممکن است. من به ترامپ رای دادم معتقدم که اوباما ما را در جهان ضعیف ساخت، اما دیدگاه اوباما درباره افغانستان درست بود جنرال های ارشد با راهنمایی های غلط باعث گمراهی وی شد. آنها ادعا کرده بودند با فرستادن سرباز بیشتر ملتی با ثبات ایجاد می کنیم. اما آنها در اشتباه بودند چرا که رهبران قبایل بدلیل فساد فراگیر فاقد عرق ملی هستند. ده میلیون پشتون در شرق کشور هیچ انگیزه ای برای جنگیدن با طالبانی که در میان شان هستند ندارند.آنها غرق در تولید مواد مخدر هستند می دانند که به جهان سم صادر می کنند. آنجا هیچ کس بی گناه نیست منفعت و سرنوشت ملت بی معنی است. فقط در یک مورد همه آنها با هم پشتیبان همدیگر هستند آن هم تجارت مواد مخدر است.
بدتر از آن، پاکستان حقه باز به طالبان پناهگاه و کمک می کند. هدف پاکستان داشتن کنترل بر افغانستان است ظاهرا آنها می خواهند از اتحاد افغانستان با هند جلوگیری نمایند. اساسا پاکستان بر این باور است که افغانستان بخشی از قلمرو آنان است . دادن ۲۵۰،۰۰۰ مایل مربع پناهگاه به طالبان باعث شده که نتوان این شورشیان را در داخل افغانستان شکست داد. بنابراین اداره ترامپ چه خواهد کرد. رابرت گیتس وزیر دفاع سابق وقتی پنتاگون را ترک کرد گفت ما موفق شدیم طالبان را شکست بدهیم و دولت نیرومندی روی کار آوردیم اما بعد از پنج سال دیده شد که چنین نیست. حال اوباما که زمان ترک کاخ سفید رسیده تعداد سربازان را از ۱۰،۰۰۰ به ۸،۴۰۰ تن کاهش داد به این طریق این جنگ به اداره بعدی تحویل داده می شود. اگر اداره ترامپ تعداد سربازان را افزایش دهد حتما از او هدف و جدول زمانی خواسته می شود او مجبور است در هر دو مورد کاری کند که به درد سر نیافتد. بطوراساسی نباید اهداف ما از بین برود، خروج امریکا از افغانستان اگر مانند خروج ما از سایگون ویتنام در سال ۱۹۷۵ باشد شکست سنگینی برای عظمت و اعتبار امریکا خواهد بود. چه کار باید کرد، کوشش برای به کنترل در آوردن سنگین دیگرنباید ماموریت امریکایی ها ومتحدین اش باشد . بنابراین ما در این کشورسالها بدون کوشش برای ایجاد دولت با ثبات می مانیم این وضعیت برنده ای نخواهد داشت. بنا، مبارزه باشورشیان با استراتیژی ملت سازی محکوم به شکست شده است نه به این خاطر که جان سربازان ما گرفته می شود بلکه به خاطر پاکستان حیله گر با پناه دادن به شورشیان باعث می شود مافیای مواد مخدر با انگیزه تر شوند و کار کردن با رهبران افغان با فرهنگ قبیله ای امکانپذیرنیست. معلوم نیست با آموزش بیشتر سربازان نتیجه بهتری گرفت مگر اینکه با آموزش مستقیم آنان مکانیسمی بوجود آوریم که با فساد و افراد بی کفایت برخورد شود با این همه به پاکستان فهمانده شود که از شیوه های نادرست دست بردارد.خط سرخی تعیین شود که چنانچه از آن گذشت به صورت جدی کمک هایمان را کاهش دهیم . پاکستان متحد ما نیست با رفتارش اعتماد ما را از دست داده است. اگر همکاری نکند کمکی در کار نخواهد بود.
آیا می توان مانند ویتنام در سال ۱۹۷۵ و عراق در سال ۲۰۱۲ مانع سقوط افغانستان شد؟ بله با یک دلیل قوی و آن اینکه طالبان نمی تواند کابل را بگیرد آنها فقط مناطقی مانند سنگین با تبانی مافیای مواد مخدر را در کنترل می گیرند.به این معنی که هلمند از دست می رود . در چندین ولایت شمالی طالبان از طریق کوه ها جاده ها را می بندند و مردم را آزار و اذیت می کنند . ازقبایل مرکز وغرب افغانستان ما تشکر می کنیم که پشتون نیستند این مناطق از ثبات خوبی برخوردار است. ولایات پشتون نشین اطراف کابل اکثر شامل دشت های پهن آوری است که طالبان نمی توانند از آنجا حمله کنند چون در دید هستند و به راحتی می توان با حملات هوایی مانع آنها شد.تا زمانی که طالبان با موتر جابجا می شوند طعمه خوبی هستند. من شخصا طرفدار به حمله هوایی شدیدعلیه آنانی که خواهان ادامه جنگ اند هستم. در مجموع افغانستان می تواند به همین منوال به پیش برود و نگذاشت که به پایگاه تروریستان تبدیل شود. این کشور به عنوان اهداف سیاسی پر تب وتاب باقی خواهد ماند. مشکلاتی پیش خواهد امد که قابل مدیریت خواهد بود.

ریاض، پکینگ، برلین به پایکوبان می پیوندند

نویسنده: آنه سیسیل روبرت/ مترجم:عبدالوهاب یاسری /قسمت اول

چهارمین نشست سران کشورهای آفریقایی و عرب بی آنکه توجه چندانی برانگیزد، در روزهای ۲۳ و ۲۴ نوامبر ۲۰۱۶ در "مالابو" در گینه استوایی، برگزار گردید. دیدار سران آفریقایی ـ عرب، از یک سو گویای علاقه فزاینده کشورهای خلیج [فارس] به افریقا و، از سوی دیگر، نمایانگر تمایل کشورهای این قاره به متنوع ساختن شرکای خود است. کشورهای جنوب "صحرا" نقش نوی از جایگاه خویش در ژئوپولیتیک جهان می نگارند، که تا پیش از این دیگران برای آنها ترسیم می کردند.
در ماه می ۲۰۱۵، کشور سنگال به درخواست دولت "ریاض" تصمیم گرفت تا گروهی از ۲ هزار و صد تن سرباز را به منظور « مشارکت در برقراری ثبات در منطقه» و «تضمین امنیت اماکن مقدس اسلام، به خاک مقدس عربستان اعزام دارد» (۱). اعلام این مطلب در "داکار" چون انفجار بمبی در گوش مردمی صدا کرد که از فرو لغزیدن به منجلاب جنگ یمن بیمناک اند (۲). یک سال بعد، شمار سربازانی که این کشور کوچک افریقای باختری به واقع به آن سرزمین اعزام کرده گنگ و مبهم مانده، و با اینحال اقدام وی همچون نمادی از ترکیب مجدد گسترده ای در روابط بین الملل در قاره سیاه به چشم می آید
تغییر عمده در افریقای معاصر در راستای متنوع ساختن بی سابقه شرکا روی می نماید، که با میزان رشد بالایی همزمان گردیده است. از سال های دهه ۲۰۰۰، شش کشور جنوب صحرا به طور منظم در میان ده کشوری جای داشته اند که از قوی ترین رشد اقتصادی در جهان برخوردار بوده اند. میان سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵، تعداد آنها حتی به هفت کشور رسید: اتیوپیا، موزامبیک، تازانیا، جمهوری دموکراتیک کانگو، غنا، زامبیا و نیجریه. هرچند امروز این چشم انداز تیره و تار گردیده ــ در سال ۲۰۱۷ به برآورد صندوق بین المللی پول، میانگین رشد از ۲ ٪ در نخواهد گذشت ــ باز این دوران افزایش انباشت ثروت، سیمای قاره را دیگرگون ساخته است. شرکت های چند ملیتی و قدرت های بیگانه ای که سنت بهره برداری ازمواد اولیه آنها را به سوی خود می کشد، اینک فریفته فزایندگی طرح های گیرای سرمایه گذاری شده اند: در سال ۲۰۱۵، سیصد پروژه زیر بنایی بزرگ به ارزش ۳۷۵ میلیارد دالر در دست اجرا بود. به لطف افزایش بهای فرآورده های معدنی و مواد اولیه در آغاز هزاره سوم، آفریقا در واقع از مائده ای بهره گرفته که برای آغاز رهایی از زیر بار قروضش کافی است و راه انداختن چشم گیر پروژه هایی را میسر ساخته که منابع تأمین آن بازارهای جهانی معاملات مالی بوده اند. بدینسان در ماه اکتوبر ۲۰۱۶، خط آهن آدیس آبابا – جیبوتی گشایش یافت که دیری چشم به راه آن بودند؛ اینک شاهد رقابت فزاینده بنادری مشرف به آب های عمیق در خلیج گینه و شاخ افریقا هستیم (۳). "صندوق بین المللی پول" بیم دارد که مبادا نیاز به تأمین سرمایه گذاری ها به بدهکاری مهار گسیخته ای راه بگشاید (۴).
این ازدحام جدید در افریقا و هجوم به سوی آن قاره رفته رفته ترکیب ژئوپولیتیکی آن خطه را دگرگون می سازد. قدرت های استعماری پیشین، و نیز اتحادیه اروپا، سیطره تاریخی خویش بر آن قاره را از دست می نهند. "فیلیپ هوگون" اقتصاد دان و پژوهشگر "مؤسسه روابط بین الملل و راهبردی" نشان داده که میان سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱، سهم فرانسه از بازار آفریقا از ۱۰ به ۷ /۴ ٪ کاهش یافته بود. این سیر رو به کاهش به نفع کشور های آسیایی جریان یافته؛ اینک چین و هند و جاپان نخستین شرکای بازرگانی قاره شده اند. "آشیل مبامبه" استاد علوم سیاسی اهل کامرون یادآور شده است که «امروز خلاقانه ترین مسیر، آفریقا را به آسیا می پیوندد (...) پویایی، دیگر منحصرا به شیوه ای عمودی از شمال به جنوب سر نمی رسد. آینده قاره افریقا در این جابجایی جغرافیایی مطرح است: اکنون آفریقا بسیار بیش از آنکه مسئله ای اروپایی باشد، دغدغه ای آسیایی گردیده (۵).» بازیگران تکرویی مانند ترکیه هم در ورطه تردید در باره همپیمانی های جهانی، داو خود را در قمار آفریقا می گذارند (۶). در حینی که این کشور سرمایه های خود را در تأسیسات زیربنایی و ساخت و ساز به کار می اندازد، از سال ۲۰۰۹ تعداد سفارتخانه های خود را سه برابر کرده است. "فیلیپ تورل" روزنامه نگار یادآور شده است که [آنکارا] « پس از شاخ آفریقا، اینک سرنوشت خود را به آفریقای باختری گره زده، در روز در باره کسب و کار گفتگو می کند، و سوداگران اسلامگرایش شب ها به جنب و جوش می افتند (۷).»
فعالیت های اقتصادی و مالی جهان عرب که تفاسیری کمتر از تهاجم آسیایی برانگیخته، تشدید شده است: طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹، داد و ستد میان آفریقا و کشورهای عرب خلیج [فارس]، در بر گیرنده تمام بخش های اقتصادی (تأسیسات زیر بنایی، مخابرات راه دور، بهره برداری از معادن، ساخت و ساز، بانکداری، کشاورزی)، ۲۷۰ جهش یافت. هرچند پیوند اینها با شمال آفریقا از دیرباز گره خورده، باز کشور های عرب با وابستگی بسیار به صنایع نفت و گاز، مایل اند با بهره گیری از امکانات فراهم آمده در جنوب صحرا، اقتصاد خود را متنوع سازند. در سال های دهه ۲۰۰۰، کشورهای خلیج [فارس]، و به طور مشخص عربستان سعودی، به قصد تأمین امنیت غذایی با جای دادن خویش در جنبش تخصیص و تسخیر خاک، در تولید سوخت از منشاء گیاهی مشارکت جسته بودند (۸). در سال ۲۰۱۲، سودان گستره زمین هایی را به مساحت دو میلیون هکتار به سرمایه گذاران "ریاض" وا سپرده بود. شورای همکاری خلیج [فارس] هم راهبرد متنوع ساختن اقتصادهای شبه جزیره عرب را بر می انگیزاند و هماهنگ می سازد (۹).»
همکاری میان کشورهای آفریقایی و عرب، که از هنگام نشست سران در قاهره در سال ۱۹۷۷ دچار کرختی شده بود، اینک به اراده تصمیم گیران خیزشی برداشته است: "جامعۀ الدول العربیۀ" و "اتحادیه آفریقا" میان سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۶ سه دیدار با یکدیگر ترتیب داده بودند که آخرین آنها در ماه نوامبر در "گینه استوایی" برگزار شد. پس ار نخستین تکانه قیمت نفت در سال ۱۹۷۵ مناسبات میان این دو مجمع به اوج گیری آغازیدند. کشور های خلیج [فارس] در آن روزگار دنبال جایی می گشتند تا مائده بادآورده خود را به کار اندازند و به پشتیانی از رژیم های افریقایی بر می آمدند که به دنبال جنگ شش روزه، روابط دیپلوماتیک خود را با اسرائیل قطع کرده بودند. کمک به توسعه ای که آن روزها انگاره ذهن آنها بود، با ایجاد "بانک عرب برای توسعه اقتصادی آفریقا" تحقق پذیرفت، و آن وقت با رضایت خاطر علایق اقتصادی و بازرگانی برخوردار از ادارک درست در باره قاره ای در آمیخت که در جستجوی سرمایه گذاران بود. "تئودورو اوبیانگ نوگوئما موباسوگو" رئیس جمهور گینه استوایی روز ۲۸ نوامبر از شبکه تلویزیونی "آفریقا ۲۴" اعلام کرد که: «کشورهای عرب ثروتمندند. آنها می توانند فارغ از هر مداخله ای، سهمی در توسعه کشورهای افریقایی بر عهده گیرند، بی آنکه سلوکی همانند کشورهای توسعه یافته استعمارگر پیشین ما پیش گیرند.»
گویا امروزه دستکم ده در صد سرمایه گذاری ها در تأسیسات زیربنایی آفریقا از خلیج [فارس] آمده است. بدینسان در سال ۲۰۱۴، "بنگاه سرمایه گذاری دوبی" قراردادی به مبلغ ۳۰۰ میلیون دالر با "الیکو دانگوته" میلیاردر نیجریایی برای مشارکت در سرمایه "کرزنر اینترنشنال" امضا کرده بود. هفتمین برنامه پنج ساله " المصرف العربی للتنمیۀ الاقتصادیۀ فی أفریقیا" [بانک عرب برای توسعه اقتصادی آفریقا] (۲۰۱۹ ــ ۲۰۱۵) از یک هزار و ۶۰۰ میلیون دالر، یعنی افزایشی برابر ۶۰۰ میلیون دالر نسبت به دور پیشین (۲۰۱۴ ــ ۲۰۱۰) برخوردار گردیده است.

کارتون روز

نگاه روز

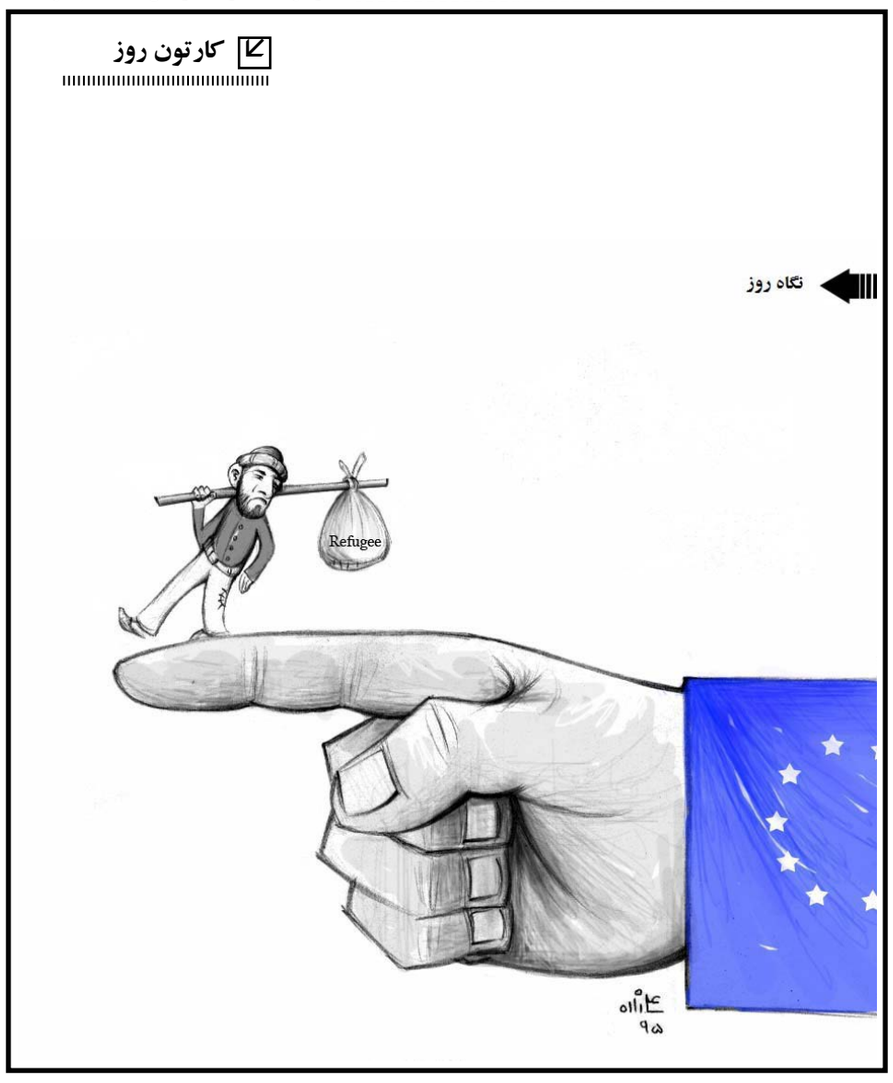

روزنامه افغانستان ما The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Newspaper

❑ بنیان گذار: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامۀافغانستان ما از همۀ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدۀ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com